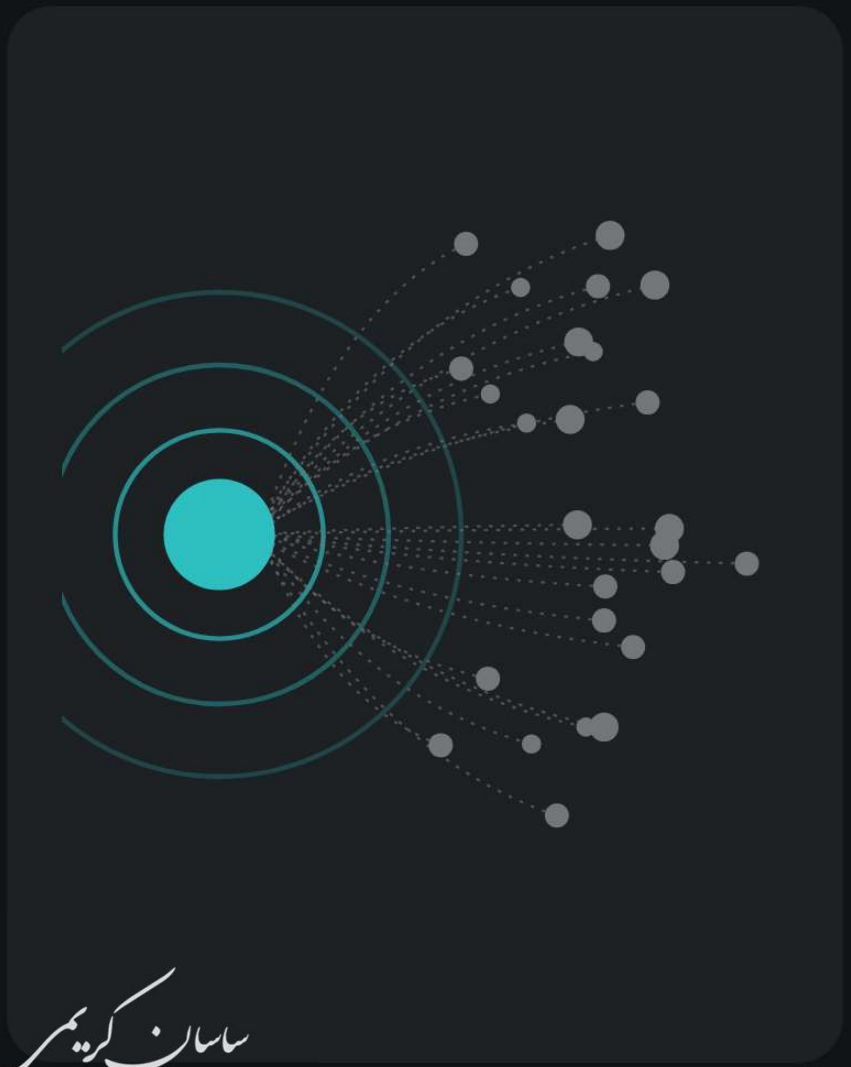


بسمه تعالی

جلسه چهارم

امت و امامت

در اندیشه علی شریعتی

ساسان کریمی

سه پرسش اساسی

شریعتی می‌کوشد نسبت جامعه، رهبری، مسئولیت تاریخی، دین و تحول اجتماعی را توضیح دهد.



۱

امت چیست؟

چه چیزی یک جامعه را از مجموعه‌ای از افراد پراکنده به اجتماعی تاریخی و هدفمند تبدیل می‌کند؟

۲

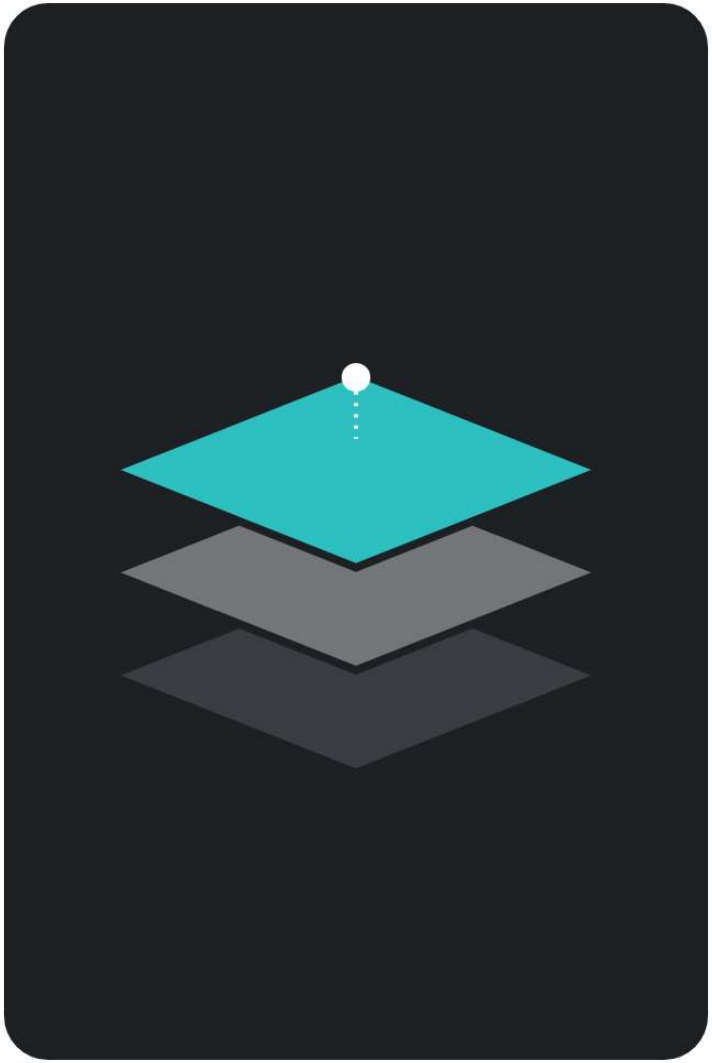
امامت چیست؟

چه نوع رهبری‌ای می‌تواند حرکت جامعه را جهت دهد و آن را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب برساند؟

۳

رابطه امت و امام چیست؟

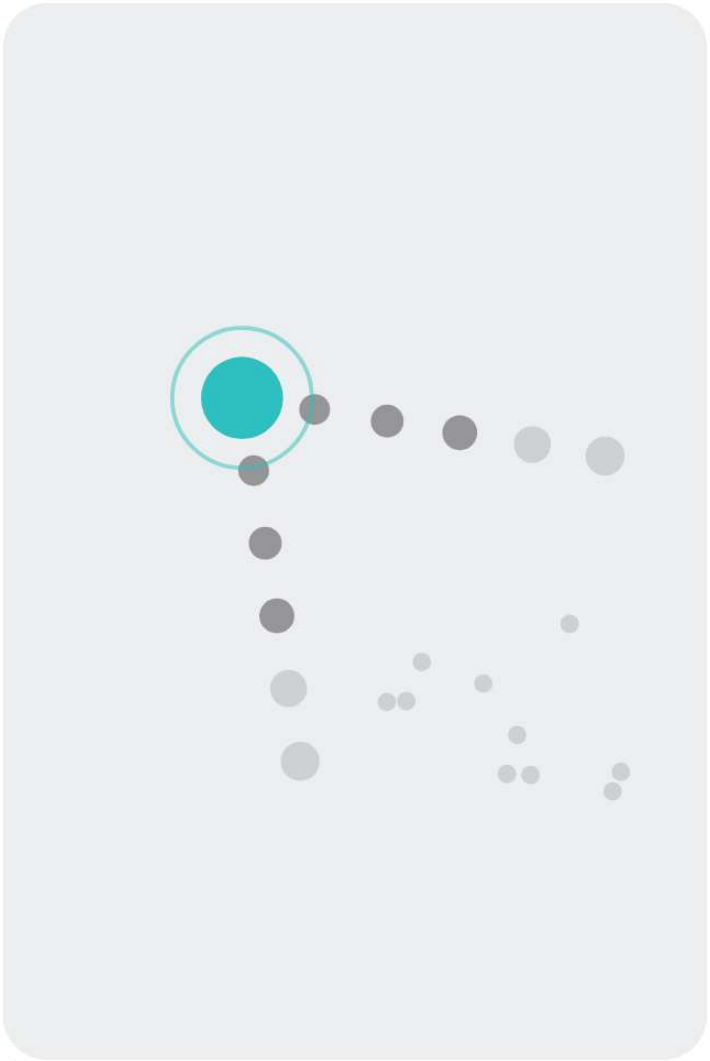
آیا جامعه صرفاً پیرو رهبر است یا در حرکت تاریخی، مسئولیت و نقش فعال دارد؟



نکته روش‌شناختی

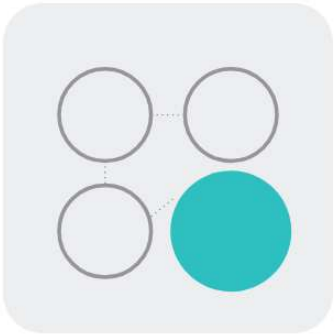
برای مطالعه این مبحث باید سه سطح را از هم تفکیک کرد:

- شریعتی همیشه اصطلاحات را با معنای ثابت و کاملاً یکسان به کار نمی‌برد.
- **تعریف‌های صریح** او را باید از تفسیرهای او جدا کرد.
- **تفسیرهای سیاسی و اجتماعی** او از مفاهیم اسلامی نیز سطحی جداست.
- **برداشت‌های انتقادی** پژوهشگران بعدی سطح سوم است.



امت: جامعه‌ای در مسیر شدن

- امت فقط جمعیت مسلمانان، پیروان یک دین یا ساکنان یک سرزمین نیست.
- ملاک، **حرکت آگاهانه جمعی** به سوی هدفی متعالی است.
- امت یک وضعیت موجود نیست؛ **فرایندی تاریخی** است.
- جامعه‌ای با اکثریت مسلمان که گرفتار استبداد، تبعیض و انفعال است، هنوز «امت مطلوب» نیست.



امت در برابر قوم، ملت و جامعه

۱

قوم

پیوند بر پایه تبار، نسب، زبان یا فرهنگ مشترک.

۲

ملت

هویت ملی، سرزمین، حاکمیت و تعلق شهروندی.

۳

جامعه

مجموعه روابط، نهادها و مناسبات اجتماعی.

۴

امت

اجتماع هدفمند بر پایه آرمان مشترک و حرکت به سوی مقصدی تاریخی.

شریعتی هر تعلق ملی یا فرهنگی را نفی نمی‌کند؛ اما هیچ‌یک به‌تنهایی معیار نهایی جهت حرکت جامعه نیست.



سه ویژگی اساسی امت

امت جامعه‌ای آرمان‌گراست که میان وضع موجود و وضع مطلوب فاصله‌ای آگاهانه احساس می‌کند.

۱

هدفمندی

جامعه باید مقصدی داشته باشد که حرکت جمعی خود را با آن بسنجد.

۲

آگاهی

اعضای جامعه باید شرایط خود و موانع تحقق آرمان‌هایشان را بشناسند.

۳

مسئولیت‌پذیری

تحقق هدف جمعی به اراده یک فرد یا گروه محدود نمی‌شود؛ همه در تغییر مشارکت دارند.

امت جمعی از افراد هم‌عقیده نیست؛ جامعه‌ای است که عقیده را به جهت‌گیری عملی و مسئولیت تاریخی تبدیل می‌کند.



امامت: فراتر از یک مقام مذهبی

پرسش او فقط این نیست که چه کسی حق رهبری دارد؛ بلکه این است که رهبری چگونه جامعه را به آگاهی، آزادی و عدالت بیشتر می‌رساند.

۱

رهبری به‌مثابه تسلط

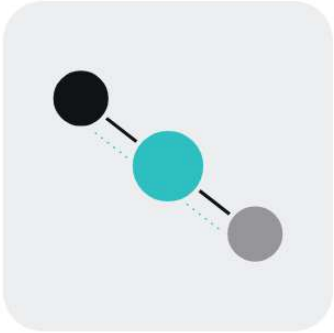
فرمان دادن به افراد و اطاعت از رهبر به‌خودی‌خود به‌عنوان هدف.

۲

رهبری به‌مثابه هدایت

راهنمایی جامعه در مسیر رشد، خودآگاهی و تحول؛ برداشت مورد نظر شریعتی.

ارزش رهبری با توانایی آن برای ایجاد حرکت تاریخی سنجیده می‌شود، نه صرفاً با قدرتی که در اختیار دارد.



امام: راهنما و جهت‌دهنده

امام میان سه عنصر پیوند برقرار می‌کند و در شکل‌گیری افق آینده جامعه نقش دارد.

۱

وضعیت واقعی

شناخت وضع جامعه و مشکلات آن.

۲

آرمان مطلوب

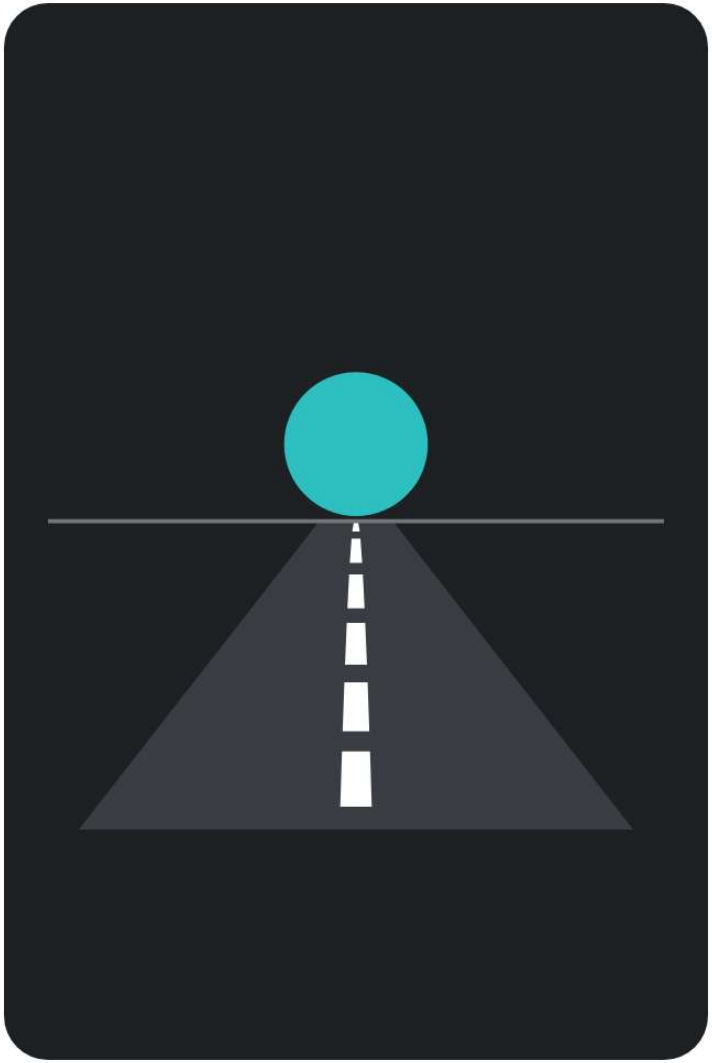
روشن کردن مقصد تاریخی جامعه.

۳

راهبرد حرکت

تعیین شیوه‌های عبور از وضع موجود به وضع مطلوب.

نارضایتی به‌تنهایی کافی نیست؛ آگاهی، شناخت مقصد، سازمان‌یابی و رهبری آن را به حرکت هدفمند تبدیل می‌کند.



امامت و مسئولیت تاریخی

- انسان صرفاً تابع ساختارها نیست؛ می‌تواند شرایط را بشناسد، داوری کند و در تغییر آن مشارکت کند.
- امام جامعه را از انفعال خارج می‌کند و امکان‌های تاریخی آن را نشان می‌دهد.
- هر رهبر سیاسی‌ای که مدعی اصلاح جامعه باشد، مصداق امامت نیست.
- امامت با عدالت، رهایی انسان و مقابله با سلطه پیوند دارد؛ قدرت به‌تنهایی معیار ارزش رهبری نیست.



رابطه امت و امامت: دو رکن مکمل

۱

امت بدون امامت کافی نیست

جمعیت، نارضایتی یا اشتراک عقیده برای حرکت منسجم بسنده نیست؛ بدون جهت و سازمان‌یابی، نیروها پراکنده می‌شوند.

۲

امامت بدون امت کافی نیست

رهبری بدون مشارکت جامعه تحول پایدار نمی‌سازد؛ جامعه منفعل ظرفیت خودآگاهی و کنش تاریخی را از دست می‌دهد.

امت: نیروی اجتماعی و آگاهی جمعی | امامت: جهت‌دهی، تبیین مقصد و سازمان‌دهی حرکت



تعادل میان هدایت و مشارکت

- تأکید بیش از حد بر هدایت، امت را به **پیروانی منفعل** تقلیل می‌دهد.
- تأکید بر اراده جمعی بدون جهت و آگاهی، مسئله رهبری و انسجام را نادیده می‌گیرد.
- پرسش انتقادی: چگونه میان ضرورت رهبری آگاهانه و مشارکت فعال جامعه توازن برقرار شود؟
- جزئیات نهادی این توازن، یعنی نحوه انتخاب رهبر و سازوکار پاسخ‌گویی، روشن و نظام‌مند نشده است.



جامعه آرمانی و جهت حرکت امت

۱

عبور از وضع موجود

نظم موجود معیار نهایی ارزش نیست؛ این نگاه نه محافظه‌کاری است و نه اصلاح اداری صرف.

۲

عدالت، معیار تحول

عدالت ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد؛ از جمله مقابله با انحصار قدرت.

۳

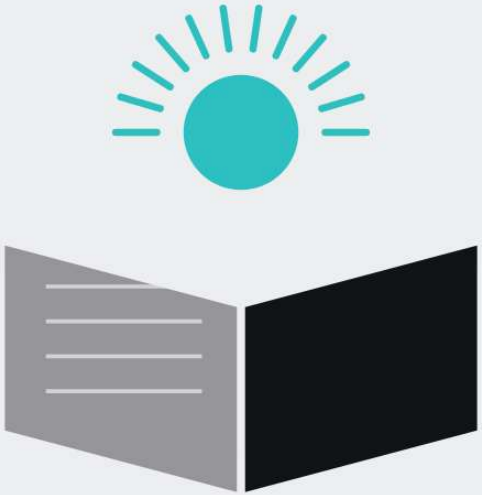
آزادی و رهایی انسان

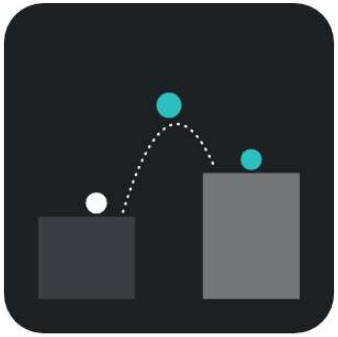
سلطه فقط سیاسی نیست؛ تغییر صاحبان قدرت بدون تغییر ساختارها، مناسبات را بازتولید می‌کند.

دینداری فردی بدون مسئولیت اجتماعی، تمام ظرفیت موردنظر شریعتی از اسلام را نشان نمی‌دهد.

امامت در سنت شیعی

- تشیع نه‌فقط مذهبی کلامی و فقهی، بلکه حامل **تجربه تاریخی، اعتراض اجتماعی و آرمان عدالت** است.
- تاریخ امامان منبعی برای فهم مسئولیت اجتماعی، عدالت و مواجهه با قدرت است.
- امام علی(ع) الگوی پیوند اعتقاد دینی و مسئولیت اجتماعی در برابر محرومان است.
- این خوانش خاص شریعتی است و با نظریه سنتی کلامی (نص، عصمت، علم امام) یکسان نیست.





هجرت و شهادت

این دو مفهوم به حرکت تاریخی و هزینه‌های تحقق آرمان‌ها مربوط می‌شوند.

۱

هجرت: خروج از وضعیت تثبیت‌شده

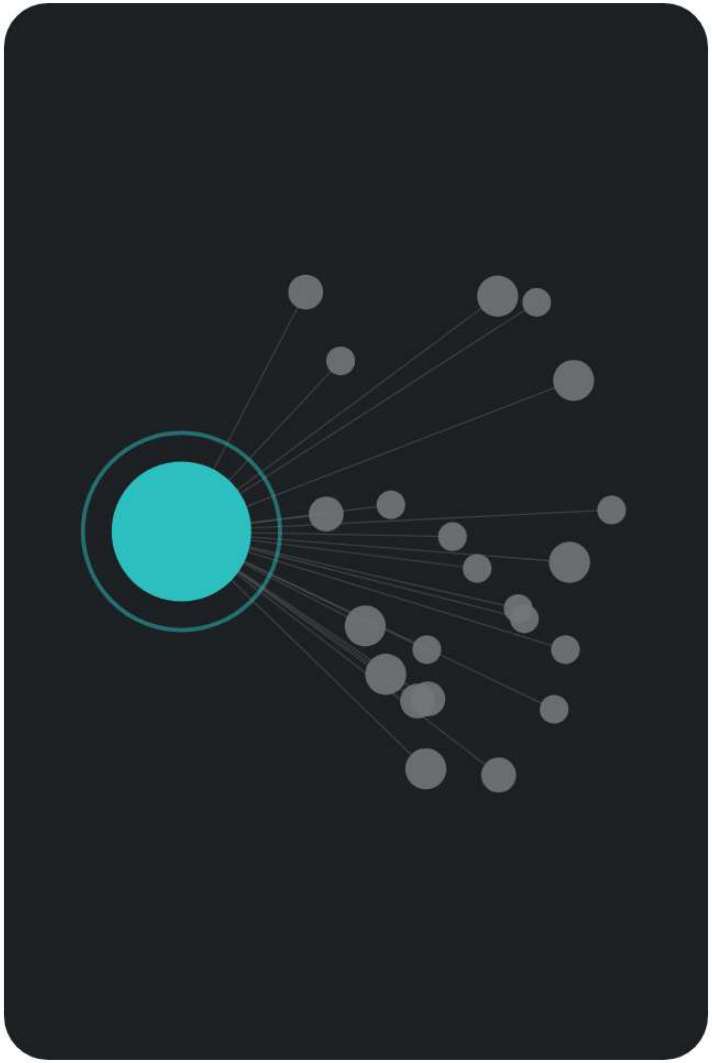
هجرت جابه‌جایی جغرافیایی صرف نیست؛ گسستن از وضعیتی است که جامعه را در انفعال نگه می‌دارد و حفظ امکان عبور از وضع موجود.

۲

شهادت: هزینه وفاداری به آرمان

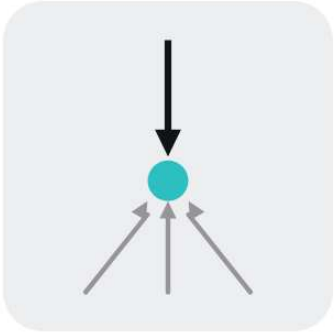
کربلا منبعی برای اندیشیدن درباره تعارض عدالت و قدرت و امکان مقاومت در برابر سلطه است؛ نه توجیه خشونت یا مرگ‌طلبی.

امت جامعه‌ای پویاست و حرکت آن همیشه بدون هزینه و تعارض نیست؛ امامت در این مسیر جهت را نشان می‌دهد.



رهبری تحول‌خواه

- بستر تاریخی: سلطنت اقتدارگرا، نابرابری، وابستگی خارجی و مناقشه بر سر دین و مدرنیته.
- رهبری تحول‌خواه با **مدیریت روزمره** (حفظ نظم و اداره نهادها) تفاوت دارد.
- رهبر ظرفیت‌های جامعه را شناسایی می‌کند، آگاهی را افزایش می‌دهد و هدف جمعی را صورت‌بندی می‌کند.
- پرسش مهم: اگر رهبر خود را آگاه‌تر بداند، چه چیزی مانع تبدیل هدایت به قیم‌مآبی سیاسی می‌شود؟



امت و امامت و دموکراسی

مشارکت اجتماعی به‌تنهایی معادل دموکراسی نهادی نیست؛ پرسش این است که چه تضمینی برای گردش قدرت و امکان مخالفت وجود دارد.

۱

منطق هدایت

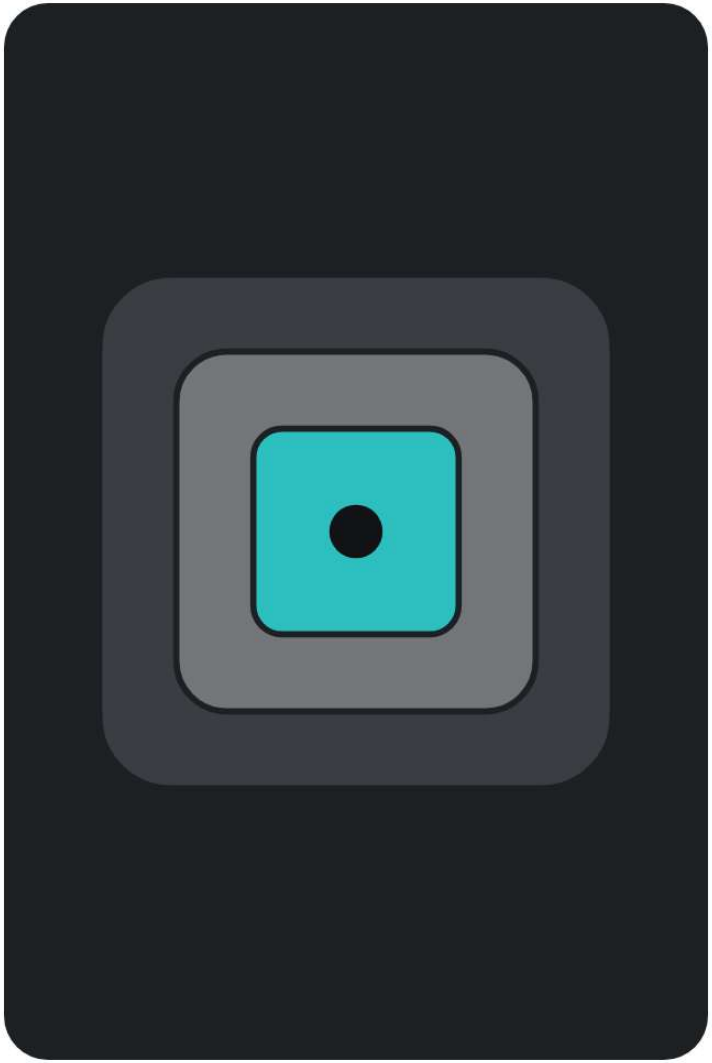
رهبر با توجه به شناخت و تشخیص خود، مسیر مطلوب جامعه را تعیین یا تبیین می‌کند.

۲

منطق دموکراتیک

شهروندان باید بتوانند در تعریف اهداف مشارکت کنند، تصمیم‌های رهبران را نقد کنند و بر قدرت نظارت داشته باشند.

هدایت به‌معنای ارائه افق و آگاهی‌بخشی با مشارکت سازگار است؛ اختیار نامحدود رهبر با پاسخ‌گویی دموکراتیک تنش دارد.



نظریه‌ای کامل درباره حکومت؟

این نظریه بیشتر چارچوبی برای فهم رهبری و تحول اجتماعی است، نه الگوی کامل نهادی. برای تبدیل شدن به نظریه حکومت به پاسخ روشن درباره این مسائل نیاز دارد:

- سازوکار انتخاب و عزل رهبر
- حدود اختیار و مدت مسئولیت او
- حقوق مخالفان و اقلیت‌ها
- آزادی بیان و امکان نقد رهبری
- رابطه تخصص، نمایندگی و تصمیم‌گیری عمومی
- نظارت بر قدرت و جلوگیری از تمرکز آن



نقدهای نظریه امت و امامت

۱

ابهام در مقصد تاریخی

چه کسی مقصد را تعریف می‌کند و معیار تحقق آن چیست؟

۲

خطر نخبه‌گرایی

برتری معرفتی ادعاشده نباید جای رضایت عمومی و پاسخ‌گویی را بگیرد.

۳

فاصله آرمان و نهاد

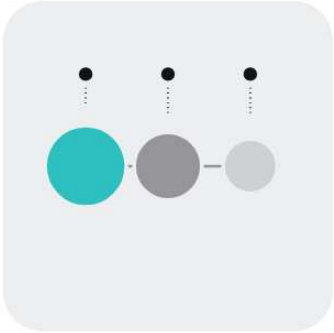
نظام سیاسی را نمی‌توان صرفاً بر فضیلت اخلاقی رهبران بنا کرد.

۴

وحدت و تکثر

آیا امت مطلوب جامعه‌ای همگن است یا متکثر با آرمان‌های مشترک؟

بازسازی دیدگاه شریعتی کافی نیست؛ نقاط قوت و محدودیت‌های نظریه نیز باید بررسی شوند.



جایگاه در اندیشه سیاسی معاصر ایران

شریعتی می‌کوشید میراث دینی را به ابزاری برای بازاندیشی در رهبری، آگاهی و تحول اجتماعی تبدیل کند.

۱

اندیشه شریعتی

آنچه از آثار خود او درباره امت، امامت و عدالت برمی‌آید.

۲

تفسیرهای پسینی

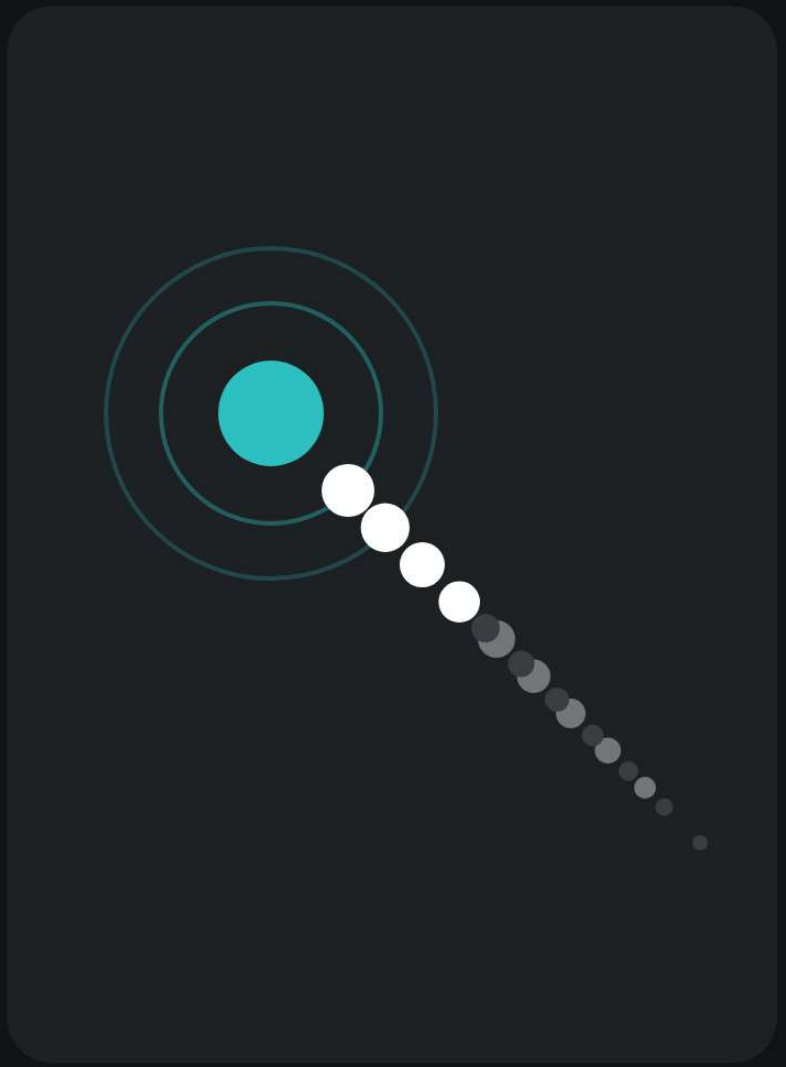
برداشت‌های پژوهشگران و جریان‌های سیاسی بعدی از اندیشه او.

۳

کاربرد سیاسی

شیوه‌هایی که گروه‌ها از این مفاهیم برای توجیه یا نقد حکمرانی به کار برده‌اند.

این سه سطح الزاماً بر هم منطبق نیستند؛ برای ارزیابی تأثیر او باید هم آثار اصلی و هم تاریخ دریافت آن‌ها را مطالعه کرد.



ایده مرکزی

جامعه مطلوب از انفعال خارج می‌شود، به آگاهی و مسئولیت تاریخی می‌رسد و در مسیر آرمان‌های انسانی حرکت می‌کند.

رهبری زمانی ارزشمند است که این حرکت را آگاهانه جهت دهد، نه اینکه جایگزین نقش تاریخی جامعه شود.



پرسش‌هایی برای گفتگو

- چگونه می‌توان میان هدایت و مشارکت تعادل برقرار کرد؟
- چه کسی مقصد مطلوب را تعریف می‌کند؟
- چگونه می‌توان از تمرکز قدرت جلوگیری کرد؟
- چه سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی رهبری لازم است؟

از تو جه شما ممنونم.

